

# ابن راوندی

## گزینش از نیلوفر شمیرانی

ابوالحسن احمد بن یحیی اهل راوند از روستاهای کاشان از شخصیت هائی است که تاکنون کاملاً شناخته نشده است . این مرد که نخست از متکلمان بزرگ معتزله بود و سپس از آنان تبری جسته و به رد و نقض آنان پرداخته است ، در کتب تاریخ و ملل و نحل از او به عنوان زندیق و ملحد یاد شده و گاه از رجال و مولفان شیعه اثنی عشری به شمار آمده است . بعضی گفته اند که او در مقالات اهل ادیان ، چیره دستی فراوان داشته و ناقل قول آنان بوده است . برخی گفته اند که او خود معتقد به افکار الحادی فرق مختلف بوده است . در بعضی از منابع ، گفتار او در رد پیمبران و کتاب های آسمانی نقل گردیده و در بعضی دیگر ، از گفته های او در رد منکران نبوت و معارضان ادیان الهی استمداد شده است . از یک طرف " کتاب الزمرد " را به او نسبت می دهند که رد قرآن و پیغمبر است و از طرفی دیگر او را مولف " کتاب الامامه " می دانند که در آن اثبات نص بر امامت حضرت علی ابن ابی طالب کرده است . برای جوینده بی نظر ، بسیار دشوار است که درباره شخصی متفکر ، که افکار او مبتنی بر عقل و اندیشه بوده و بر عقاید فرقه های مختلف خرده گرفته و آنان را با خود دشمن می ساخته نظری قاطع و حکمی صریح اظهار کند و بهتر آن است که تحقیق و تامل کند ... . کلمه زندیق و زندقه در تاریخ اسلام و ایران بسیار دیده می شود و همراه با آن خاطره های تلخ و ناگواری همچون طرد و نابود کردن دانشمندان و سوختن کتاب های علمی و بستن مراکز دانش به یاد می آید . ... در تاریخ ، به مردان بسیاری برخورد می کنیم که متهم به به زندقه و الحاد بوده اند ، از آنجمله عبدالله بن مقفع که می نویسند باب برزویه طبیب را از خود ، بر کلیله و دمنه افزود تا خلق را با

فکر فلسفی آشنا و عقیده مردم را به اسلام سست کند . و عبدالکریم بن ابی العوجاء که اخبار و احادیثی از خود ساخته و آن را به پیغمبر نسبت داده است . و بشار بن برد تخارستانی که صریحا آتش را شایسته برای پرستش دانسته و ابان بن عبدالحمید لاحقی که به جای سبحان الله ( سبحان مانی ) می گفته و محمد بن ذکریا رازی که مقام پیغمبری را انکار کرده است . و ابن راوندی که سخنان کفر آمیز بسیاری درباره نبوت و اعجاز پیمبران گفته اند ، پیرو این مکتبند .

( دکتر مهدی محقق ، بیست گفتار در مباحث علمی و فلسفی و کلامی و فرق اسلامی » منابع تازه ای درباره ابن راوندی » ) .

ابن جوزی در یکی از کتاب های خود گفته است : زندیقان اسلام سه تن اند ، ابن راوندی ، ابوحنیان توحیدی ، ابو العلاء معری .

... ابن راوندی کتب بسیاری در مخالفت با اسلام نوشت . او کتاب " التاج " را در رد موحدان و " بعث الحکمه " را در تائید ثنویت و " الدماغ " را در رد بر قرآن و " الفرید " را در رد بر انبیاء تالیف کرد . ... پس از آنکه کفر و زندقه از او آشکار گشت ، معتزلیان به پای خواستند و از سلطان ، در کشتن او یاری خواستند . او به کوفه گریخت و در خانه مردی پنهان شد و گفته اند که در همانجا مرد . ( ابن المرتضی ، المنیه والامل )

مرتضی راوندی، می نویسد : ابوالحسن احمد بن یحیی اهل راوند از روستا های کاشان، متولد در حدود 205 هـ و متوفی به سال 298 میباشند.

تاریخ اجتماعی ایران

از سلیمان راوش نوشته است :

حلاج و ابن راوندی در یک روزگار زیسته اند بن مایه های اعتقادی این فرزندگان تاریخ علم و فلسفه کشور ما انعکاس صورت خورشید در دو آبگینه شفاف را می ماند. ابن راوندی در کتاب ( زمرد ) می نویسد : « . . . ما در سخنان اکثم صیفی می توانیم بهتر از ( انا اعطیناک الکوثر ) بیابیم » .

اما در دائرة المعارف تشیع می خوانیم :

ابوالحسین احمد بن یحیی بن اسحاق (ح 205 - ح 245 ق) از متکلمان منتسب به الحاد . برخی وی را اهل راوند (بین کاشان و اصفهان) و دیگران وی را اهل مروالروذ گفته اند . بعضی تاریخ مرگ او را اواخر قرن سوم دانسته‌اند (298 ق) ولی مرگ وی در نیمه قرن سوم محتمل تر است . ترسیم سیر و سلوک عقلی ابن راوندی بسیار دشوار و در باره علت الحاد او اختلاف بسیار است . برخی گفته اند که الحاد او از شدت فقر و فاقه بوده است و برخی دیگر معتقدند ناکامی او در رسیدن به جاه و مقامی که آرزویش را داشته سبب زندقه او گردیده است . آنچه که اغلب بر آن هستند این است که وی ابتدا بر عقیده معتزلیان بود ، سپس سرگشته شد و از دین برید و الحاد و زندقه آشکار ساخت و سخت بر معتزلیان تاخت و تناقض حقیقی و یا ظاهری آنان را فاش ساخت و از تحقیقات ایشان نتایج کفر آمیزی بیرون آورد . این عمل وی معتزلیان را سخت برانگیخت ، تا آنجا که پس از جدا شدن ابن راوندی از ایشان ردیه های شدیدی بر ضد وی نوشتند . وابستگی وی به مذهب تشیع اگر چه دوام چندانی نداشت ولی قابل انکار نیست ، بطوریکه برخی وی را از رجال و مؤلفان شیعه اثنی عشری به شمار آورده اند . معلوم نیست که آیا ابن راوندی عمر خویش را با الحاد به آخر رسانیده است یا اینکه طبق گفته بعضی از معتزلیان در پایان عمر پشیمان گشته و توبه کرده است . ابن راوندی فراست و تسلط ویژه ای بر زبان داشت . تألیفات بسیاری را به او نسبت می دهند و رقمهای متفاوتی (8 ، 19 و 37 عنوان) ذکر می کنند ...

بخشهایی از آثار معروف راوندی در آثار کسانی که عقاید او را رد کرده اند آمده است :

(1) خیاط که خود از معتزلیان بنام است بخشهایی از کتاب فضیحة المعتزلة او را در کتاب خود به نام الانتصار بطور پراکنده می آورد . در این کتاب که در رد ابن راوندی نوشته است خیاط نسبت هائی را که راوندی به جاحظ داده است با آوردن دلایلی تکذیب می کند .

دو بخش مهم از کتاب فضیحة المعتزلة که در الانتصار آمده یکی پاسخ ابن راوندی است به مدیحه جاحظ به نام فضیلة المعتزلة در باره مذهب معتزلی و بخش دوم به دفاع از مذهب تشیع اختصاص دارد ؛ (2) کتاب الزمرد ابن راوندی از بین رفته است ولی المؤید فی الدین در کتاب خود المجالس المؤیدیه فصل هائی از این کتاب را نقل و رد کرده است . نقل های

بسیاری از ابن راوندی در کتابها آمده است که برخی از آنها قابل تردید و مستحق تحقیق می‌باشد. گفته شده که ابن راوندی برای آنکه عقاید خود را در مخالفت با مطلق دین زیر نقابی پنهان کند آنها را به صورت فرضی از زبان براهمه نقل می‌کرده است. در قرن چهارم هجری قمری شهرت ابن راوندی به انکار دین از مرز ادبیات اسلامی تجاوز کرد بطوریکه یهودیانی چون قرائی، سلمون ابن یروحام و یفت بن علی چندین بار در آثار خود از وی به نام ملحد خطرناک یاد کرده اند. اگر چه در کتاب اعیان الشیعة به تشیع او تصریح شده است، ولی در حقیقت حال او بین علمای شیعه اختلاف است. برخی نیز گفته اند چون به مذهب شیعه گراییده است مورد طعن معتزله قرار گرفت و به الحاد منتسب شد.

بیشتر بدانیم:

<http://www.cgie.org.ir/shavad.asp?id=123&avaid=1221>

.....

[http://www.notobs.com/farsi/articles/Articles/new\\_page\\_305.htm](http://www.notobs.com/farsi/articles/Articles/new_page_305.htm)

.....

<http://www.mahnaaz.com/>

